



متیئو کراستون، استاد علوم سیاسی امریکا در گفت‌وگو با «جوان»:

روسیه و چین به دنبال ائتلاف علیه نظم تک قطبی امریکایی هستند

■ سید علی اعتمادی

اگر چه امریکا به عنوان رهبر اندیشه‌ی و روش غربی در اداره تفکرات خود در نظام بین‌الملل با مشکلات فراوانی مواجه شده است، اما بر اساس سیاست «فرصت و تهدید» همچنان خواهان نقش آفرینی در عرصه‌های مختلف بین‌المللی است. البته در دوره ریاست جمهوری باراک اوباما و رخدادهای نظام بین‌الملل این شیبه و شرایط پیش آمده است که واشنگتن قدرت قبلی خود را تا حد بسیار زیادی از دست داده است، اما این کشور هنوز بر آن باور است که در میان همه کشورهای دنیا یک «استثنا» است، بنابراین باید موقعیت رهبری خود را حفظ کند؛ در حالی که تحولات کنونی نظام بین‌الملل و همچنین شکل گرفتن قدرت‌های نوظهوری که در حال تبدیل شدن دوباره به قدرت بزرگ یا ابر قدرت هستند، جایگاه امریکا را به شدت تهدید می‌کنند. این مسئله‌ای نیست که احزاب، اشخاص و نهادهای سیاسی، امنیتی و اطلاعاتی امریکا از آن مطلع نباشند. از این رو بی‌شک دست‌به‌اقداماتی خواهند زد که رقباي خود را یا به طور کامل از میدان خارج کنند یا در صورت ناتوانی، آنها را به سمت ضعف کشانده و فِشارها را نسبت‌به رقبا افزایش دهند. این موضوع در خصوص چین و روسیه در عرصه بین‌المللی کاملاً نمایان است. به این دلیل که در سطح بین‌المللی قدرت امریکا را به چالش کشیده‌اند. امریکا می‌داند که نزدیکی این دو و تشکیل ائتلافی بین‌المللی با متحدانی

پیش‌بینی شما از وضعیت آینده اقتصادی چین چیست؟ به نظر شما در بلندمدت از ایالات متحده امریکا پیشی خواهد گرفت؟ آیا چین این پتانسیل را دارد که در زمینه اقتصادی قدرت را به دست بگیرد و آن را برای مدتی طولانی حفظ کند؟

من طرفدار پیش‌بینی‌های شخصی درباره اقتصاد بازیگران بزرگی چون چین نیستم اما آینده‌ای که می‌توان پیش‌بینی کرد این است که اقتصاد جهانی به شکل وابستگی متقابل کشورها باقی خواهد ماند. پیامد اصلی این وابستگی آن است که این مسئله محدودیت‌هایی را به وجود می‌آورد که برای مثال دولتی بزرگ می‌تواند «جنگ اقتصادی» را علیه دولت بزرگ دیگری برپا کند، چیزی که بسیار محتمل است (و تا حدی امروزه اتفاق می‌افتد) چیزی است که من آن را «مدیریت نرم» «منافع در سیاست اقتصادی می‌نامم.

در حال حاضر، چین برگ برنده‌های اقتصادی بسیاری نسبت به امریکا در دست دارد اما این کشور مخالف به کار بردن آنها به طور خصمانه است به این دلیل که این کشور هنوز به بازار امریکا وابسته است. امریکا همیشه جمعیت مصرف‌گرای بزرگی بوده است. تا زمانی که قدرتمندترین مصرف‌کننده و خریدار بقیه امریکاست، در واقع چین پتانسیل دارد که به کارگیری نفوذ نظامی و سیاسی از طریق اقتصادش دقیق و حساس باشد. اکنون با تمام آنچه گفته شد، اینکه چین بتواند بازار داخلی خود را با موفقیت برپا کند، غیر قابل پیش‌بینی است.

اگر چین به ملت مصرف‌گرای مطلقاً تبدیل شود تا یک کشور صاحب کارخانه و تولیدکننده، آن وقت است که ما پیامدهای سیاسی جالبی در عرصه جهانی شاهد خواهیم بود. تا آن موقع، حتی اگر چین در بلندمدت از امریکا پیشی بگیرد، همزیستی اقتصادی امریکا و چین به شکل همیشگی خود باقی خواهد ماند. در واقع چین پتانسیل قدرت‌گیری در اقتصاد را دارد، اما قدرت‌گیری، همیشه پیامدهایی دارد که قابل پیش‌بینی نیست. اگر مردم این کشور به ملتی مصرف‌گرا و خریدار واقعی تبدیل می‌شدند، از نظر سیاسی چه ضربه‌ای به چین وارد می‌شد؟

من چندین بار گفته‌ام که در عامل ساده اما نادر برای تغییر رویکرد سیاسی نیاز است: مردم باید یک خالص در یافتی و وقت فراغت داشته باشند. اگر چین در اقتصاد قدرتمند شود، تا در آمد هر فرد و وقت فراغت او را افزایش دهد، ممکن است باعث ایجاد عواملی شود که همیشه از آن ترسیده است: فعالیت یا گردهمایی مردمی و تمایل بیشتر برای شرکت در جریان سیاسی.

رقابت بین امریکا و چین مطلقاً نمی‌تواند به زمینه‌های اقتصادی محدود باشد. به نظر شما این رقابت یا رقابت‌ها نهایتاً می‌تواند در زمینه‌های سیاسی، امنیتی و نظامی نیز صورت بگیرد؟ منظور از زمینه نظامی، ضرورتاً جنگ نیست، بلکه منظور ائتلاف‌سازی علیه یکدیگر است. در چنین حالتی فضای سیاسی نظام بین‌الملل به کدام سمت پیش خواهد رفت؟ و رقابت‌ها چه شکلی به خود خواهد گرفت؟

امروز ما این فرآیند را با تمام مناورها و ضدمناورها، اقدامات و ضداقدامات که در دریاي جنوب شرقی اتفاق می‌افتد دیده‌ایم. بخش قابل توجهی که من در این فرآیند می‌بینم، دورنمای آن است. چین به طور قطع چنین اقداماتی را برای حفاظت از منافع ارضی خود و برای توقف بازیگران منطقه‌ای از تجاوز به مرزهایش برای در گیری مستقیم با اهداف چین انجام می‌دهد. دریاي جنوب چین برای این کشور مسئله منطقه‌ای است.

در واقع امریکاست که این رقابت را جهانی کرده است؛ زیرا باید با قدرت

چین یا حتی ظرفیت‌های آشکار نشده چین مقابله کند. بنابراین به همین دلیل است که امریکا برای برپایی ماشین‌آلات، کارخانه‌ها و... در فیلیپین و کره‌جنوبی اقدام می‌کند. به عنوان یک شهروند امریکایی به راحتی می‌توانم بفهمم دلیل امریکا برپا کرد اینجام چنین کارهایی در سطح سیاست خارجی چیست.

اما به عنوان محقق ارشد پژوهش‌های اطلاعاتی، می‌دانم چقدر این اقدامات برای کشورهای مانند چین آزار دهنده است. این اقدامات نه تنها به عنوان دخالت بیجا در امور چین برشمرده می‌شود، بلکه تشدیدکننده «مخالفت‌های کوچک» است که ممکن است موجب تضاد و مخالفت بزرگ‌تر شود. چنین درگیری و تضاد در طول تاریخ اغلب اتفاق افتاده است و گاهی اوقات به مسئله‌ای ناگوار برای تمام جهان تبدیل و گاهی نیز ناپدید یا فراموش شده‌است. تاکنون مسیر نهایی درگیری و تضاد بین امریکا و چین مشخص نشده است. من معتقدم هر دو کشور از صمیم قلب خواستار مقابله نظامی سنتی یا یکدیگر نیستند. ارتباط متقابل بین دو کشور آنقدر زیاد شده است که اگر حرکتی موجب آسیب یا ضرر یکی از آنها شود قطعاً دیگری نیز آن را متحمل خواهد شد. در برخی موارد نیز دو کشور به لحاظ درگیری و تضاد ممکن است هیچ وقت شریک و آرامش خاطری برای یکدیگر نباشند، اما همین شراکت نیمه اجباری، باعث شده آنها با رفتار نسبتاً خوبی با یکدیگر برخورد کنند.

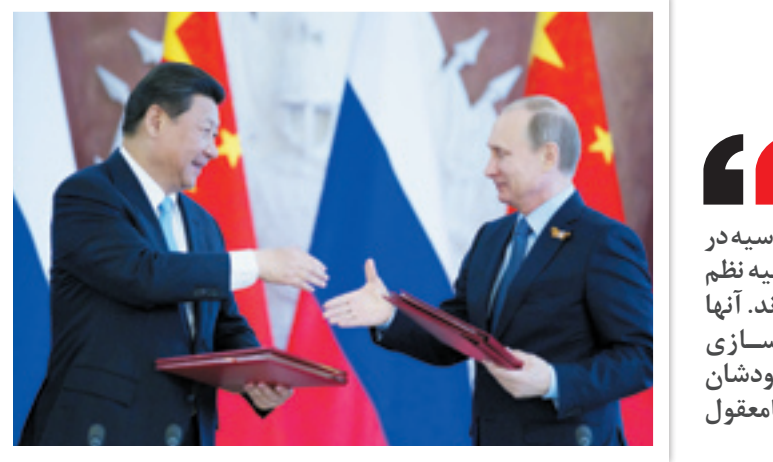
آنچه طی چند سال اخیر دیده شده، این است که رویکردهای چین اکثراً

که دارای قدرت منطقه‌ای هستند، می‌تواند طومار تخیل رهبری امریکا را در جهان بپیچاند. نگاهی گذرا به فعالیت‌های امریکا در حوزه شرق اروپا، قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی علیه روسیه و متحدانش و همچنین اقدامات نظامی، امنیتی، سیاسی و اقتصادی وا شنگتن در حوزه آسیا پاسیفیک و حوزه‌های زیست بومی چین در شرق آسیا گویای این مسئله است. مجموعه اقدامات امریکا در این دو حوزه بسیار حساس که از طریق آسیای مرکزی به یکدیگر متصل هستند و بیوندهای چینی – روسی ایجاد کرده‌اند، مسکو و پکن را به شدت حساس کرده است. امریکا به هر شکل خواهان جلوگیری از ائتلاف حساس این دو علیه «نظم کنونی نظام بین‌الملل» است و مطلع است که این ائتلاف به همراه متحدان بالقوه و بالفعلی که اندیشه‌های ضدهژمون دارند، قادر خواهند بود تمایلات استثنانگرای امریکایی و میل به رهبری تک قطبی آن را از میان بردارند. از این رو رونامه «جوان» گفت‌وگویی با دکتر «متیئو کراستون» استاد علوم سیاسی و شهروند امریکایی انجام داده تا نگاه یک امریکایی را درباره وضعیت کنونی این کشور و تقابل‌ها و تعاملات آن در دنیا جويا شود. این شهروند امریکایی معتقد است «زبان علم» از اهمیت فراوانی برخوردار است و موقعیتی که اکنون به همراه صنعت چاپ و انتشار، در اختیار زبان انگلیسی قرار دارد برای عبور از آن باید زبان دیگری را جایگزین کرد تا تأثیرات خود را در دیگر حوزه‌ها نیز بگذارد و تغییرات لازم را ایجاد کند.

اقتصادی بوده‌اند اما در طرف مقابل رویکردهای روسیه بیشتر امنیتی هستند. همان طور که می‌دانید هر دو کشور نیز رقیب اصلی امریکا هستند. آیا آنها می‌توانند علیه نظم کنونی بین‌المللی که می‌توان گفت به گونه‌ای امریکامحور و غربگراست، ائتلافی به وجود آورند؟ اگر قرار است چنین ائتلافی را خلق کنند چه زمینه‌هایی را برای انجام چنین کاری انتخاب یا اتخاذ می‌کنند؟

من فکر نمی‌کنم چین و روسیه در تلاش باشند تا ائتلافی علیه نظم بین‌المللی به وجود آورند. آنها معتقدند در حال ائتلاف‌سازی علیه عاملی هستند که خودشان آن را نظم تک قطبی و نامعقول امریکایی می‌نامند. بحث‌های زیادی وجود دارد که آیا جهان تک قطبی وجود دارد یا نه و اگر چنین چیزی نیز وجود داشته باشد آیا می‌توان امریکا را در این قطب قرار داد؟ در واقع روسیه و چین در وجود جهان تک‌قطبی شک ندارند. در مفهوم استثناگرایی، امریکا خیلی راحت منافع سیاسی، اقتصادی و نظامی خود را در جهان دیکته می‌کند اما به روش دیپلماتیک در تلاش است تا ثابت کند این منافع لزوماً امریکایی نیستند، بلکه جهانی هستند. چین و روسیه، این منافع جهانی را باور ندارند و مجبور نیستند دنباله‌رو آنها باشند.

به هر حال، مشکلی که در ائتلاف‌سازی روسیه و چین علیه امریکا وجود دارد این است که منافع روسیه و چین در یک راستا هستند و تضادی بین آن دو وجود ندارد؛ اما اینگونه نیست.



“

من فکر نمی‌کنم چین و روسیه در تلاش باشند تا ائتلافی علیه نظم بین‌المللی به وجود آورند. آنها معتقدند در حال ائتلاف‌سازی علیه عاملی هستند که خودشان آن را نظم تک قطبی و نامعقول امریکایی می‌نامند

■ دکتر «متیئو کراستون» استاد علوم سیاسی دانشگاه بلویوی وا شنگتن، رئیس بخش مطالعات بین‌الملل و مدیر پژوهش‌های اطلاعاتی – امنیتی این دانشگاه است. از این استاد علوم سیاسی تاکنون دو کتاب به نام «سایه تجزیه‌طلبی» و «پرورش بنیادگرایی» منتشر شده است. تحلیل‌های حوزه استراتژیک و امنیت وی به زبان‌های مختلف از جمله انگلیسی، روسی، اسپانیولی، ترکی، عربی، چینی، یونانی و فارسی

منتشر شده است. دکتر کراستون در سال ۲۰۱۲ به عنوان «استاد برجسته» لقب گرفت و در سال ۲۰۱۵ جایزه بهترین تحقیق از دانشگاه بلویوی امریکا را با عنوان «تحقیق برجسته» به خود اختصاص داد. در سال‌های گذشته از کراستون برای ارائه سخنرانی در یکی از مجامع وزارت امور خارجه امریکا، دانشگاه آکسفورد انگلستان و دانشگاه کالج لندن دعوت شده است. کراستون همچنین برای مصاحبه با تلویزیون ژاپن، روسیه و ایران نیز دعوت شده است. وی مدرک لیسانس خود را از دانشگاه کولگیت امریکا، مدرک فوق لیسانس را از دانشگاه لندن و همچنین مدرک دکتری (PhD) را از دانشگاه براون امریکا اخذ کرده است.

این مسئله‌ای تازه و غیرعادی است اما اینطور نیست. در تمام طول تاریخ، دولت‌هایی که دنبال قدرت بوده‌اند، همیشه در پی به دست آوردن قدرت بیشتر برای خودشان و محدود کردن قدرت دیگران بوده‌اند. قطعاً امریکا خواهان جلوگیری از تجلی قدرت روسیه و چین است؛ قدرتی که امریکا آن را علیه منافع خود می‌بیند. البته به یاد داشته باشید که تعامل دو طرف همیشه سر ناسازگاری نمی‌زند. با توجه به موقعیت‌های مختلف، نمونه‌هایی وجود دارند که نشان می‌دهند قدرت اقتصاد چینی‌ها یا حتی روسی‌ها کاملاً با منافع امریکایی سازگاری دارد. (اگر چه رسانه‌های غربی و دیگر سیاستمداران بیان می‌کنند که این تعامل ممکن نیست و صاحب قدرت همیشه مشخص است.)

اما دیده می‌شود که در بسیاری از موارد اختلافات دو یا چند جانبه بین آنها بسیار زیاد است و گاهی حتی به رویارویی نیز نزدیک می‌شود. ما در سرباره واقعیت‌های موجود در نظام بین‌الملل صحبت می‌کنیم و می‌بینیم که اختلافات این کشورها جدی است.

شما مخالف این بحث هستید؟

بله، می‌توان گفت منافع همتراز و مشترکی بین این سه دولت وجود ندارد، همین مسئله موجب تنش و اختلاف بین آنها می‌شود. طبیعت دیپلماتسی در بسیاری از موارد اینگونه است. امریکا، روسیه و چین با یکدیگر همکاری



دکتر متیئو کراستون

تغییر صورت گیرد، شامل چه تغییراتی خواهد بود و چگونه و کجا صورت خواهد گرفت؟

غیر از قدرت بین‌المللی که امریکا به طور یکجانبه در اختیار دارد، نظم بین‌المللی که از آن صحبت می‌کنیم در واقع ترکیبی از نظم امریکایی – چینی است. اگر من و شما به درستی به این مسئله ایمان داشته باشیم، تغییر چشمگیر این نظم، جزء منافع این دو بازیگر نخواهد بود؛ زیرا هر دو طرف مایل به ایجاد تغییرات کوچک در این سیستم در اینجا (امریکا) یا آنجا (چین) هستند. هر کدام از آنها می‌ترسند که طرف دیگر تغییری بزرگ در وضع موجود ایجاد کند.

اما من معتقدم وضع موجود برای هر دو طرف سود و فایده دارد؛ بنابراین دلیلی ندارد که این وضعیت را تغییر دهند، به علاوه اینکه چنین تغییری ممکن است هزینه سنگینی در پی داشته باشد. زمانی که بحث جایگاه برتر در نظم موجود جهانی مطرح است، چینی‌ها و امریکایی‌ها بسیار دقیق و منطقی می‌شوند و به نظر من هر دو کشور خواستار ثبات چنین وضعیتی هستند.

کمی‌بجث را اقتصادی تر کنیم! اقتصادی که می‌تواند گاهی برای سیاست نیز مسیر تعیین کند! سؤال این است که بر اساس رقابت شدید اقتصادی بین امریکا و چین، آیا این احتمال وجود دارد که مبادلات



دکتر متیئو کراستون

اقتصادی در سراسر جهان بر پایه واحد پول دیگری غیر از دلار باشد؟ آیا این امکان وجود دارد که زبان علم نیز به زبانی غیر از زبان انگلیسی تبدیل شود؟

در سرباره تغییر دلار به هر واحد پول دیگری احتمالات بیشتر است. بحث‌های جدی زیادی درباره تغییر واحد پول بین‌الملل مطرح شده است اما باز هم مشکل مصرف‌گرایی سد راه است. مادامی که جامعه امریکا خود بزرگ‌ترین مصرف‌کننده است، تلاش احتمالی برای تغییر دلار به هر واحد دیگری ناکام خواهد بود. اگر کشور دیگری از لحاظ مصرف‌گرایی حتی بتواند با امریکا برابر باشد، قادر خواهد بود واحد پول بین‌الملل را نیز تغییر دهد که البته این امر تا حد زیادی توسط امریکا نپذیرفته خواهد افتاد اما من تصدیق می‌کنم که بحث‌های جدی زیادی در این زمینه در جهان مطرح می‌شود اما درباره سؤالی که در مورد زبان علم مطرح شد، من معتقدم تاریخ و سنت گذشته به عادت و روزمرگی تبدیل شده‌اند.

به نظر من جامعه علمی بین‌الملل با یادگیری زبان انگلیسی خیلی راحت‌تر هستند؛ زیرا این زبان روان کاربردها و فایده‌های زیادی برای آنها دارد که حتی می‌تواند فراتر از علوم و تحقیقات دیگر باشد. همچنین غرب صنعت چاپ و نشر را هنوز تحت سلطه دارد و کنفرانس‌های قوی زیادی را برگزار می‌کند که همگی به زبان انگلیسی. زبان ارتباطات هستند. بنابراین برای تغییر زبان علم باید این صنعت را نیز تغییر دهیم و به دانشمندان زبان جایگزین دیگری را پیشنهاد دهیم تا بتوانند مانند زبان انگلیسی در روسیه یا چین، به وجود نیامده است همچنان شاهد همان استراتژی‌های خصمانه قدیمی و بی‌استعداد از سوی این بازیگران خواهیم بود.

با تصویری که شما دارید آیا تقابل روزافزون امریکا و چین نهایتاً می‌تواند نظم بین‌المللی را تغییر دهد؟ اگر این

“

در حال حاضر، چین برگ‌برنده‌های اقتصادی بسیاری نسبت به امریکا در دست دارد اما این کشور مخالف به کار بردن آنها به طور خصمانه است به این دلیل که این کشور هنوز به بازار امریکا وابسته است. امریکا همیشه جمعیت مصرف‌گرای بزرگی بوده است

می‌کند اما هیچ وقت منافع و اهداف شخصی خودشان را فراموش نمی‌کنند. آنها به دنبال فرصتی هستند تا کنار یکدیگر تا حدی که ممکن است همکاری کنند اما این راه می‌داند که چنین فرصت‌هایی خیلی کم و به ندرت به دست خواهد آمد. این میراث رقابت است که بر جای مانده است.

اگر دولتی بر کسب قدرت یا سلب آن تأکید دارد، در واقع، روابط وضع موجود را قبول کرده است. منظور من از روابط وضع موجود، عدم ایجاد روابط و فرصت‌های جدید برای تعامل و همکاری است. برای مثال اگر امریکا حقیقتاً خواستار سلب قدرت از روسیه و چین است، به نظر من، بهتر است به جای این کار، برای منافع مشترک و اعتمادسازی بیشتر بستری ایجاد کند تا در نتیجه، قدرت‌نمایی‌اش متعادل و برابر باشد و درگیری و تضاد را به وجود نیاورد اما تا زمانی که این نوراوری دیپلماتیکی، از هر طرفی (امریکا، روسیه یا چین)، به وجود نیامده است همچنان شاهد همان استراتژی‌های خصمانه قدیمی و بی‌استعداد از سوی این بازیگران خواهیم بود.

با تصویری که شما دارید آیا تقابل روزافزون امریکا و چین نهایتاً می‌تواند نظم بین‌المللی را تغییر دهد؟ اگر این